

مبارزه ایرانیان داخل و خارج کشور مکمل یکدیگرند - احد قربانی دهناری

سرکوب غیرانسانی جنبش مردم ایران از فرادی به قدرت رسیدن روحانیون، قتل عام مبارزان از سوی حکومت و بی‌تفاوتی مردم به این قتل‌عام‌ها، مهاجرتی ناخواسته را به میلیون‌ها مبارز ایرانی تحمیل کرده است.

بی‌کفایتی و بی‌مهری دست اندرکاران و عدم امکان کار و پژوهش برای جوانان با استعداد ما، مهاجرتی ناخواسته را به میلیون‌ها نخبگان ایرانی تحمیل کرده است. در نتیجه در خارج کشور، بیش از پنج تا شش میلیون نفر ایرانی زندگی می‌کنند که هفت درصد جمعیت کل کشور را شامل می‌شوند (۱) و سالانه بیش از ۱۵۰ هزار نخبه علمی از کشور خارج می‌شوند و به این جمع می‌پیوندند (۲).

جمهوری اسلامی آنچه در توان داشت برای نابودی مبارزان ایران بکار گرفت. از قتل عام زندانیانی که محکوم‌تشان تمام شده بود تا قتل‌های زنجیره‌ای، تا ترور زنده یادان پروانه اسکندری و داریوش فروهر، محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، عبدالرحمان قاسملو، شاپور بختیار، سروش کتیبه، عبدالرحمان برومند، کاظم رجوی، شهریار شفیق، علی‌اکبر طباطبایی، بیژن فاضلی، فریدون فرخزاد، صدیق کمانگر، رضا مظلومان، غلامعلی اویسی، عبدالله قادری‌آذر، صادق شرفکندی، همایون اردلان، فتاح عبدلی، نوری دهکردی و صدها تن دیگر.

علاوه بر مبارزان سیاسی، اندیشمندان، هنرمندان و متخصصان ایران، حتی آنها که فعالیت سیاسی ندارند سخت از نظام تبعیض‌آمیز و تنگ‌نظر به ستوه آمده و کشور را ترک کرده‌اند.

در ایران هیچ امکان فعالیت سیاسی، اجتماعی، هنری و ادبی برای احزاب، شخصیت‌های سیاسی، تشکلهای مدنی و هنرمندان وجود ندارد. هر صدای انتقادی و اصلاح‌خواهانه با قساوت باورنکردنی سرکوب می‌شود.

به طور تاریخی به علت خفقان و عدم امکان مبارزه در داخل ایران، مبارزات خارج از کشور، هم در جنبش مشروطیت و هم دوران انقلاب بهمن سهم اساسی در اطلاع‌رسانی، افشاگری، آموزش، بسیج و پیروزی انقلاب

داشته است. (حتی خمینی در خارج کشور با استفاده از تریبون دموکراسی غرب دروغ‌ها و وعده‌های سیاسی و اجتماعی بی‌اساس خود را به مردم ایران می‌رساند.)

از یک سو مبارزه در داخل ایران بی‌نهایت دشوار است. از سوی دیگر بیش از شش میلیون تحصیل کرده و مبارز مجهز به تجربه کار، تحصیل و مبارزه سیاسی در دموکراسی کشورهای مختلف در خارج بسر می‌برند. این سرمایه‌های عظیم و پشتیبان تاثیرگذار مبارزه مردم ایران است. حرکت همگام این نیرو قادر به زدن ضربه اساسی به حکومت استبداد دینی در ایران است، در افشا و انزوای رژیم می‌تواند نقش اساسی و هم در امیدوار کردن مردم به بند کشیده ما اثر بی‌بدیل دارد.

با مبارزه ایرانیان خارج از کشور و همگامی و همکاری آنها با مبارزان داخل کشور، عده زیادی مخالفت می‌کنند و یا آنرا کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. مخالفت و برجسبزی جمهوری اسلامی قابل درک است، ولی آنچه قابل درک نیست کم‌بها دادن برخی فعالان اپوزیسیون به مبارزه ایرانیان خارج از کشور است. هر چند گاه با شعارهایی چون مردم داخل سرنوشت ایران را تعیین می‌کنند و یا آنها که خارج‌گود هستند و ... سعی در ناامید کردن و بی‌ثمر نشان دادن مبارزه فعالان خارج از کشور دارند.

شکی نیست که مبارزه مردم در داخل تعیین‌کننده‌ترین عامل پیروزی مردم ماست. اما مبارزه بیش از شش میلیون ایرانی مبارز، متخصص و اندیشمند خارج از کشور را نباید کم‌بها داد. این شش میلیون ایرانی مبارز، متخصص و مجهز به تجربه دموکراسی، رواداری، فعالیت اقتصادی، اجتماعی، علمی، فنی و تکنولوژیک غرب سرمایه‌ای کلان و کمک جدی به جنبش آزادیخواهی ایران هستند.

باید از آزادی و امکانات ارتباط و مبارزه در خارج کشور برای تقویت جنبش آزادیخواهی ایران حداکثر بهره را برد. به انتقادات و اظهار نظرات دلسرد کننده به مبارزه خارج از کشور اعتنائی نکنید. با همه توان در راه تمرین رواداری، دموکراسی و کثرت‌گرایی بکوشیم و در افشا و انزوای داخلی و بین‌المللی هرچه بیشتر حکومت دینی جمهوری اسلامی و اتحاد مردم در مبارزه علیه حکومت بکوشیم.

میدان نبرد سیاست ایران پیچیده و بغرنج است. اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست ایران، یعنی مردم از یک سو امکان تشکل و جهت دادن سمت ضربه خود را ندارند و از سوی دیگر با

مدرنترین وسایل ارتباط جمعی با عقب افتاده ترین و خرافی‌ترین اندیشه‌های قرون وسطائی، شبانه روز بمباران می شوند. در میدان مبارزه سیاسی ایران، با رهبری دروغگو و بی اصول، گندم نمای جو فروش، بسیاری از افراد، شخصیت‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی اشتباه کردند و همزمان درس‌های بزرگ آموختند. برای اتحاد بزرگ باید ملاک حال افراد، شخصیت‌ها و احزاب و سازمان‌ها باشد، نه تنها اشتباهات گذشته. «گر حکم شود که مست گیرند - در شهر هر آنکه هست گیرند.»

جنبش بزرگ مردم ایران باید با عفو عمومی و خودداری از انتقام و پایبندی به گفتگو و آشتی ملی از یک سو سرشت خشونت‌پرهیز خود را ثابت کند و از سوی دیگر ریزش طرفداران رژیم و بریدن از حاکمیت را تسهیل کند.

با ترسیم چارچوب اصول آینده ایرانی که می‌خواهیم، چون جدائی دین و دولت و کثرت‌گرایی، چون مبارزه خشونت‌پرهیز، چون پایبندی به رعایت حقوق بشر، توقف اعدام‌ها، همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه و جهان و . . . جنبش را آگاه و منسجم کنیم و اتحاد بین مبارزه داخل و خارج را تقویت کنیم.

مبارزه داخل و خارج مکمل یکدیگرند. هر کدام امکاناتی دارند که دیگری ندارد. با اتحاد بزرگ مبارزان داخل و خارج، به مردم دربند ایران امید و شور و شوق مبارزه ببخشیم. گروه‌ها مختلف اپوزیسیون با همکاری باهم از یک سو همگامی در ساختن فردای ایران ویران شده را تمرین می‌کنند و از یک سو دیگر مردم را به حصول اتحاد بزرگ علیه جمهوری اسلامی امیدوار می‌کنند.

مبارزه داخل و خارج مکمل یکدیگرند. اتحاد بزرگ و همگامی ما، انضباط و ثبات جامعه ایران را در دوران گذار از جمهوری اسلامی به حکومت مردم تضمین می‌کند.

(۱) آمار اداره امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه

(۲) آمار وزارت علوم

۱۰ آبان ماه ۱۳۹۷

احد قربانی دهناری

گوتنبرگ، سوئد

ahad.ghorbani@gmail.com

<http://ahad-ghorbani.com>

<http://telegram.me/ahaddehnari>

<https://t.me/AhadGhorbaniDehnari>

<http://www.facebook.com/ahad.ghorbani.dehari>

Abstract

**The duties of Iranians abroad in the difficult conditions of
the Iranian people's struggles today**

There is an attempt to neglect the importance of the struggles
.of Iranians abroad against Islamic Republic of Iran

The struggle Iranian inside and outside of the country is the
complement of each other. One has possibilities that other has
not. With the great unity of the combatants inside and outside
.of country, give hope and enthusiasm

Ahad Ghorbani Dehnari

November 2018 1

Gothenburg, Sweden

**پرسش و پاسخ ندای آزادی از
فعالان سیاسی درباره‌ی فدرالیسم**

در ایران

فریبا مرزبان

ندای آزادی: آیا دولت غیر متمرکز همان دولت فدراتیو است؟ اگر نه تفاوت آن‌ها چیست؟

فریبا مرزبان: دولت غیر متمرکز الزام فدرال نیست و بر اساس قوانین رایج در حکومت‌هایی از نوع فدرال اداره نمی‌شود. در تعریف دولت غیر متمرکز به ساده‌ترین شکل می‌توان گفت: "تقسیم قدرت در دست مردم" با افزودن بر مشارکت شهروندان در قوه مقننه و مجریه. در این نوع دولت، کارها متمرکز در یک شهر و یک استان نیستند؛ بخش‌بندی شده در نقاط مختلف کشور اند با توجه به موقعیت شهرها بلحاظ سیاسی، جمعیت، شرایط اقلیمی، جغرافیایی و

در دولت غیر متمرکز جغرافیای محیط کمتر لحاظ می‌شود و جغرافیای کلی (مرزهای کشور) اهمیت دارد. و نیز تقسیم مسوولیت‌های اداره امور و بهینه‌کردن قابلیت‌ها متمرکز شخص یا ایالتی نمی‌شود. مگر این‌که از نقطه نظر جغرافیایی منطقه‌ای نامناسب برای انجام فعالیت‌های تولیدی خاصی باشد .

ندای آزادی: در کشوری مانند ایران با توجه به تنوع زبانی، ملی و قومی آیا نظام فدرالیسم نظام مناسبی است. اگر آری چه نوع فدرالیسمی برای کشور ما مناسب است: فدرالیسم بر اساس تقسیمات جغرافیایی (استانی) و یا بر اساس زبانی- ملی/ قومی؟

مرزبان: در پاسخ به بخش نخست پرسش در دید من نظام فدرالی مناسب ایران نیست و اقدام کردن بدان بسیار دشوار است.

برای انجام این کار نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی و نیروی پیش‌برنده (عوامل اجرایی) از سوی دولت است.

فدرالیسم زبانی- قومی دو گانه است و مشکلات جدیدی ایجاد خواهد کرد. مشکلات دیگری هم در زمینه جغرافیای سیاسی می‌افزاید. بخش کسانی هستند که خواهان استقلال تا سر حد جدایی اند. بنابراین بهترست بر پدیده فدرالیسم، محتاطانه نگریست؛ زیرا ممکن است ایالت‌های فدرالیزه شده از مجرای داخلی خارج بشوند.

تنوع زبانی و نژادی (قومی) ایرانیان انکار ناپذیر است و مردم هر جامعه از حقوق اجتماعی به گونه ای بایستی برخوردار گردند که بتوانند در یک جامعه زبانی با "پشتیبانی دستگاه‌های دولتی برای جلوگیری از اضمحلال زبان‌ها تلاش کنند"؛ زیرا زبان ابزار ارتباط است، زبان فرهنگ است. زبان ابزار ارتباط است اما جامعه ای بدون زبان «لال» است.

ندای آزادی؛ ساختار و محتوای نظام فدرالیسم براساس تقسیمات جغرافیایی چه تفاوتی با فدرالیسم بر اساس ملی/قومی دارد؟ بعنوان مثال شرط برخورداری از حقوق شهروندی (مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) در هر کدام از ایالات، ساکن بودن هر شهروند ایرانی در آن شهر و منطقه است، یا داشتن تعلقات قومی و ملی آن منطقه؟

مرزبان: آن گونه که در پاسخ پیشین اشاره رفت نظام فدرالی را مناسب ایران نمی بینم و نیازمند گفتگوی بیشتر است.

در نظام فدرالیسم جغرافیایی محدوده و مرز ایالت‌ها مشخص شده است. در حالی که در نظام فدرالیسم ملی- نژادی (قوم) مردم "هم نژاد" گسترده و پراکنده از یکدیگر زندگی کنند؛ مانند لرها که از ساکنان اطراف شهرهای اصفهان و شیراز، ساکنان لرستان و بخش وسیعی از ساکنان خوزستان هستند را شامل میشود. برخورداری از حق برگزیدن یا برگزیده شدن از دیدگاه تعلقات قومی و ملی همان است که تجزیه طلب‌ها و سنتی‌های عقب مانده خواهان هستند و خواست خود را می گویند. ساکن بودن شهروندان امتیاز لازمست بر پایه توانایی‌ها، استعدادها و اندیشه‌های نو.

متداول ترین شکل فدرالیسم، فدرالیسم جغرافیایی است مانند روسیه، آلمان و آمریکا هر سه در امور کشوری خود موفق بوده اند. زیرا سال‌هاست که کشورهای شان با این سیستم اداره می شود و دولت مدارها با اتخاذ تدابیر به هنگام و درست جامعه را سازگار با سیستم کرده اند.

اکنون اگر خواهان نظامی هم مانند یکی از 3 کشور فوق و اجرای سیستم اداری هم چون فدرالیسم آنها بشویم. باید بگویم فدرالیسم دیگر کهنه شده است. ایران کشوری جهان سومی است و مشکلات فراوان دارد؛ و نیز نیازمند رنسانس فرهنگیست. کشورهای اروپایی حدود 1000 سال پیش رنسانس از سر گذرانده اند در حالی که در جامعه ایران در قرن بیستم و بیست و یکم انقلاب اسلامی رخ داده است و انقلاب مناسبات

اجتماعی و اغلب خانوادگی را از بین برده است. شهروندان ایران سالیان سال است که با پدیده ای به نام مذهب درگیر هستند.

ندای آزادی: آیا این چند حوضه ای که نام می‌بریم باید در اختیارات دولت مرکزی فدرال باشند؟: نیروی نظامی و دفاع از مرزها؛ روابط خارجی (وزارت امور خارجه)؛ برنامه ریزی های کلان و بلند مدت اقتصادی؛ سیاست‌های مالی، پولی و مالیاتی؛ استخراج معادن و منابع زیر زمینی؛ نظارت بر انتخابات و حسن اجرای قوانین در هر ایالت؛ دادگاه‌ها و کل سیستم قضایی.

مرزبان: همه از مسوولیت های دولت مرکزی هستند و سیستم مرکزی پاسخ گوی برجیدن هر گونه تبعیض و نیز برای جبران عقب ماندگی حقوق اجتماعی- علمی- اقتصادی است. بله. بله دستگاہ‌های مهم دیگری نیز باید بر عهده دولت مرکزی قرار گیرد. کشور بر اساس قانون اساسی (قوانین مادر و تبصرها) اداره می شود. سیستم آموزشی، پلیس، بهداشت و درمان، مسکن، حل مشکل بیکاری (ایجاد شغل) همه این ها نیازمند برنامه ای منسجم و به گونه ای سراسری است که در بر گیرنده منافع و بر طرف کننده خواست جمعیت کشور باشد. چنانچه موارد ذکر شده با ایده ها و رای ساکنان محلی طراحی و اجرا شوند به دلیل نبودن زیرساخت و کار نشدن بر روی زیرساخت های لازم اقدام موفق نخواهد بود. تجربه می گوید در صورت بروز عدم کارایی طرح های به اجرا درآمده بدون نظارت قدرت مرکزی نمی تواند دوام یابد.